

چکیده

این مقاله به بررسی تلاش‌های کشورهای تونس برای گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن در دوران ریاست جمهوری زین العابدین بن علی می‌پردازد که از نوامبر ۱۹۸۷ زمام قدرت را در این کشور به دست گرفته است. سابقه و روند آزادسازی سیاسی، وضعیت پیشرفت حقوق زنان، بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تقویت طبقه متوسط جامعه به عنوان نیروی محرک رشد و توسعه، تلاش در جهت تقویت بنیه اقتصادی کشور، حرکت به سوی ادغام در اقتصاد جهانی و در نهایت، ارتباطات جدید و انجام تحولات در سیاست خارجی تونس از جمله موضوعاتی هستند که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند. سؤال اصلی این است که تا چه اندازه اقدامات و استراتژی‌های اتخاذ شده از سوی حکومت جدید تونس در روند پیشرفت و توسعه این کشور مؤثر بوده است. این تحقیق سعی دارد تا با آرایه آمار و ارقام جدید و نمودارهای موجود، مصادیق این پیشرفت را مورد شناسایی قرار دهد.

* دکتری روابط بین الملل و کارشناس ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱، ص ۸۰-۴۹.

در طول یک دهه گذشته نسل جدیدی از رهبران جهان عرب مشتاقانه یک سلسله اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به منظور ورود به مرحله جدیدی از دموکراسی و خصوصی سازی اقتصادی و برای ادغام در اقتصاد جهانی با هدف پیشرفت و توسعه کشورهایشان آغاز و به مرحله اجرا گذاشته اند. یکی از رهبران عرب که طی دو دهه گذشته گامهایی جدی در روند پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و تا حدودی سیاسی جامعه خود برداشته و به نوعی سعی در انتقال کشور خود از شرایط جامعه سنتی به جامعه مدرن داشته، زین العابدین بن علی رییس جمهوری تونس است که در سال ۱۹۸۷ به قدرت رسید.

کشور تونس به دلیل سابقه فرهنگی، اجتماعی و ارتباطاتی با اروپا و غرب، همواره به عنوان سرپل ورود کشورهای شمال آفریقا به اروپا و غرب به حساب می آید. موقعیت حساس و استراتژیک این کشور در دریای مدیترانه و همسایگی آن با کشورهای بزرگ حوزه مغرب، همچون لیبی و الجزایر که تهدیدی برای منافع غرب محسوب می شوند، اهمیت خاصی به این کشور می بخشد. از سوی دیگر سابقه موضع گیریها و جایگاه فعالیتهای تونس در روند صلح اعراب و اسرائیل، این کشور را به مسایل خاورمیانه و جهان عرب متصل کرده و بررسی مسایل آن را در حوزه مطالعاتی منطقه خاورمیانه قرار می دهد. با توجه به اهمیت موضوع، این مقاله با نگاهی تحلیلی و نو و همچنین ارائه آمار و ارقام جدید سعی در شناسایی مصادیق پیشرفت و تحولات انجام شده در دوران زمامداری بن علی و همچنین نقاط ضعف موجود دارد. شناخت زوایای پیشرفت و چگونگی تحولات انجام شده در کشور کوچک تونس می تواند به صورت مدل و الگویی برای پیشرفت سایر کشورهای منطقه خاورمیانه مورد استفاده قرار گیرد.

روند آزاد سازی سیاسی در تونس

فعالیتهای سیاسی در تونس به دلایل مختلف، از جمله نزدیکی جغرافیایی با اروپا، آشنایی اکثریت مردم به زبان فرانسه، گستردگی سیستم آموزش، وجود مراکز متعدد آموزش عالی، رفت و آمد میلیونها جهانگرد خارجی بخصوص اروپایی، گسترش فعالیت مطبوعات و

به طور کلی گسترش آگاهیهای عمومی مردم، از سایر کشورهای منطقه و جهان عرب بیشتر است. بنابراین مفاهیمی از قبیل: حزب، سندیکا، صنف و آزادی مطبوعات مفاهیم شناخته شده و سابقه داری هستند.^۱

هرچند بعد از استقلال تونس، رفته رفته نظام پادشاهی موروثی از این کشور منسوخ گردید و نظام جمهوری جایگزین آن شد، اما در این نظام نیز رییس جمهوری قدرت مطلق را در اختیار دارد. در طول دوران طولانی زمامداری «حبیب بورقیبه» که به عنوان پدر استقلال و قائد اعظم تونس شناخته می شود، رفته رفته آزادیهای سیاسی محدود شد. او در دوران زمامداری خود با انجام اصلاحاتی در قانون اساسی و سیستم سیاسی کشور، سعی کرد تا پایه های قدرت خویش را تثبیت نماید. از جمله اقدامات او، پایه گذاری ارتش میهنی و حرکت در جهت ایجاد یک سیستم تک حزبی و ایجاد محدودیتهای سیاسی از طریق کنار زدن مخالفان و رقبا از صحنه قدرت کشور بود. به همین دلیل او آخر حکومت بورقیبه به دوران افزایش جو فشار و اختناق و تسلط سیستم پلیسی بر کشور معروف گردید.

از زمان به قدرت رسیدن «زین العابدین بن علی» در نوامبر ۱۹۸۷ در تونس، دولت این کشور سعی کرده تا چهره ای دموکرات از خود به جهان عرضه کند. دولت جدید تلاش کرد تا یک سیاست «آشتی ملی» را در پیش گیرد. به همین دلیل فعالیت احزاب سیاسی آزاد شد و روزنامه های نیروهای مخالف که در زمان ریاست جمهوری سابق اجازه فعالیت نداشتند، اجازه انتشار یافتند. زندانیان سیاسی آزاد شدند و مخالفان خارج از کشور، اجازه یافتند تا به کشور بازگردند. تغییراتی در ساختار دولت و کوچک کردن اندازه حزب حاکم صورت گرفت و قولهایی مبنی بر آزادی عقاید داده شد. همچنین قانون اساسی اصلاح و ماده مربوط به مادام العمر بودن رییس جمهور تغییر یافت. اصل ۵۷ قانون اساسی مبنی بر جانشینی معاون رییس جمهور در شرایط خاص نیز حذف گردید.^۲ طبق اصلاحیه جدید، رییس جمهور به مدت ۵ سال و به صورت انتخابات عمومی، انتخاب می شود و حداکثر سن کاندیدای ریاست جمهوری نیز ۷۰ سال در نظر گرفته شد. همچنین اگر رییس جمهور به هر دلیلی قادر به ادامه فعالیت نباشد، رییس مجمع ملی تا برگزاری مجدد ریاست جمهوری به جای

رییس جمهور قرار می گیرد. طبق اصلاحیه های جدید، نقش نخست وزیر به جای رییس دولت، به عنوان هماهنگ کننده فعالیت های دولت تعریف گردید.^۳ به دنبال تحولات فوق، در آوریل ۱۹۸۹ انتخابات پارلمانی در تونس برگزار شد. قبل از برگزاری انتخابات، قانون احزاب در زمینه فعالیت احزاب به تصویب رسید که بر اساس آن، احزابی اجازه فعالیت دارند که جنبه نژادی، دینی و مذهبی نداشته باشند،^۴ لذا احزاب اسلام گرا تحت فشار قرار گرفتند.

روند آزادسازی احزاب سیاسی و حرکت در جهت توسعه سیاسی در چند سال اول حکومت بن علی ادامه یافت، اما در آغاز دهه ۱۹۹۰، همراه به بروز مشکلات سیاسی و اقتصادی ناشی از انجام اصلاحات سیاسی در سیستم سیاسی و اقتصادی و چگونگی برخورد با نیروهای مخالف، بخصوص اسلام گراها، اختلافات سیاسی بار دیگر میان گروه های داخلی بروز کرد که همزمان با بعضی دستگیری های نیروهای مخالف دولت، در نهایت منجر به محدود شدن روند آزادسازی سیاسی گردید.^۵ در طول این سالها، بار دیگر فشارهای سیاسی بر مخالفان به ویژه احزاب اسلام گرا شدت گرفت. درخواست گروه های اسلامی برای فعالیت سیاسی رد شد و تبلیغات شدیدی علیه احزاب اسلامی آغاز گردید. بن علی در مقابل نمایندگان مجلس اعلام کرد که در تونس هیچ جایی برای فعالیت یک حزب دینی وجود ندارد. او اظهار داشت: «اسلام دین همه است و نمی تواند موضوع اختلاف و مبارزه قرار گیرد و نمی توان با تمسک به آن، به قدرت دست پیدا کرد. دولت تنها مدافع اسلام است.»^۶

در جولای ۱۹۹۸، زمانی که بن علی برای بار سوم خود را کاندیدای ریاست جمهوری تونس برای انتخابات سال ۱۹۹۹ می کرد، در برابر نمایندگان پارلمان تأکید کرد که به تعهدات خود در زمینه انجام تغییرات تدریجی سیاسی و روند آزادسازی اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی و تلاش در جهت ادغام تونس در اقتصاد جهانی، با در نظر گرفتن هویت ملی تونس، پایبند است.^۷ وی در توجیه اعمال بعضی از محدودیت های سیاسی می گوید: «... این واقعیت را نباید نادیده گرفت که احزاب مخالف برای اولین بار در طول یک دهه گذشته وارد پارلمان شده اند و لذا نباید همانند جوامع اروپایی، از تونس نیز انتظار یک دموکراسی کامل را داشت.» از دیدگاه او، همکاری بین دولت و احزاب مختلف برای مشارکت موثر در زندگی

عمومی، امری ضروری است. او می گوید: «ما قانع شده ایم که نیروهای مخالف، بخش بنیادی فضای سیاسی و عنصر اساسی سیستم دموکراتیک ما را تشکیل می دهند. در واقع این حقیقت صرف که امروزه مردم از چگونگی پیشرفت دموکراسی صحبت می کنند، خود نشان گر این امر است که ما در راه دموکراسی حرکت می کنیم.»^۸

افزایش و پیشرفت حقوق زنان

روند رو به رشد حقوق زنان در تونس که همزمان با استقلال این کشور آغاز گردید، در طول ۱۰ سال گذشته وارد مرحله جدیدی شده، به طوری که وضعیت این طبقه را در جهان عرب و منطقه شمال آفریقا منحصر به فرد کرده است. پیشرفت حقوق زنان بیش از هر چیز ناشی از حضور مؤثر زنان در اجتماع و مشارکت گسترده آنها در فعالیتهای فرهنگی، اقتصادی، تجاری و سیاسی می باشد. ریشه این پیشرفتهای در تصویب قوانینی همچون، «قانون حقوق شخصی زنان»، «قانون تابعیت» و همچنین «قانون کار» می باشد. قانون حقوق شخصی، آزادیهای زیادی را برای زنان در نظر می گیرد. به عنوان مثال، براساس این قانون، زنان با مردان در اموری همچون امور خانواده، آموزش و اجازه ازدواج به فرزندانی که به سن قانونی نرسیده اند، دارای حقوق برابر هستند.^۹ قانون تابعیت، زنان تونسی را قادر به ازدواج با خارجیها و گسترش تابعیت آنها به فرزندانشان ساخته است. قانون کار نیز برابری جنسیت را در تمامی شغلها و حرفه ها به رسمیت می شناسد. در نهایت، به کارگیری خشونت در درون خانواده از طریق اصلحیه هایی که به «حقوق جزای» تونس وارد شده، ممنوع گردیده است.^{۱۰}

در طول سالهای اخیر، دستاوردهای قانونی و اجتماعی زنان با مشارکت گسترده آنها در حوزه سیاست و فرهنگ، فراهم شده است. با برگزاری انتخابات سال ۱۹۹۹، تعداد نمایندگان زن در پارلمان تونس نزدیک به دو برابر شده، یعنی از ۱۱ نفر به ۲۱ نفر افزایش یافته است. این تعداد حدود ۱۱/۵ درصد کل نمایندگان را شامل می شود. میانگین فوق نه تنها بالاترین میانگین در جهان عرب است، بلکه حتی یکی از بالاترین میانگینها در سطح جهان نیز محسوب می شود (میانگین جهانی حضور زنان در پارلمانها

حدود ۱۰٫۷ درصد است). با تصویب قانونی بر اساس ابتکار دولت بن علی، حداقل ۲۰ درصد اعضای شوراهای شهری را باید زنان تشکیل دهند. با تصویب چنین قانونی در انتخابات شوراهای شهری در ۲۸ مه ۲۰۰۰، بیش از ۲۰ درصد (حدود ۸۰۰ نفر) از تعداد ۴٫۱۴۴ عضوی راکه در این زمینه انتخاب شدند زنان تشکیل می دهند.^{۱۱} چهار نفر از این تعداد در حال حاضر به عنوان شهردار مشغول خدمت هستند.^{۱۲}

از سوی دیگر زنان موقعیت خود را در بسیاری از مؤسسات ملی کشور تثبیت کرده اند. جدا از حضور در مراجع قانونی، آنان حضور مؤثری در مشاغل اجرایی نیز دارند. در حال حاضر ۴ تن از اعضای کابینه زن هستند. در بخش قضایی نیز حدود ۲۳ درصد قضات را زنان تشکیل می دهند. در مشاغل حرفه ای نیز زنان حضوری فعال و گسترده دارند. حدود ۲۲ درصد وکلا، ۴۷ درصد معلمان مدارس، ۳۰ درصد اساتید دانشگاهها، ۵۷ درصد دندان پزشکان، ۶۳ درصد داروسازان و ۲۷ درصد از متخصصان رسانه ها و ارتباطات را زنان تشکیل می دهند. در واقع با فرصتهای برابری که برای زنان در زمینه آموزش و پرورش فراهم شده، میانگین دانش آموزان دختر در سطح تحصیلات عالی به حدود ۵۰٫۴ درصد رسیده است.^{۱۳}

برنامه های دولت برای افزایش حقوق زنان توسط بسیاری از مؤسسات عمومی و خصوصی حمایت می شود. مؤسساتی همچون «انجمن ملی زنان»^(۱) که بزرگترین قدیمیترین سازمان مربوط به زنان است، «وزارت امور زنان و خانواده»، «مؤسسه مراقبت ملی زنان»^(۲) و «شورای ملی زن و خانواده»^(۳) به طور فعال در زمینه افزایش مشارکت زنان در درون جامعه فعالیت دارند. کمیته های تخصصی و گروههای ویژه ای نیز در زمینه افزایش حقوق زنان فعالیت می کنند. این کمیته ها و گروهها برای اجرای حقوق جدید زنان و برای تشخیص میزان تأثیرگذاری آن بر ایجاد فرصتهای برابر میان زنان و مردان جامعه نظارت دارند. این کمیته ها در اوایل دهه ۱۹۹۰، زمانی که اصلاحات آموزش جهت اجرای اجباری برای دو جنس زن و مرد به کار گرفته شد، تأسیس گردیدند. این اصلاحات شامل اصلاح مواد قدیمی درسی و

1. National Union for Women
2. National Observatory on Women
3. National Council on Women and Family

جایگزینی آنها، برنامه جدید تحصیلی با هدف برابری زن و مرد و تصورات مربوط به تساهل و حقوق مدنی می شدند.^{۱۴}

تونس: الگوی پیشرفت انسانی در جهان عرب

در طول سالهای اولیه بعد از استقلال، نرخ رشد جمعیت تونس حدود ۳٫۲ درصد در سال بود. این نرخ بالای رشد جمعیت که بعضاً بیشتر از رشد اقتصادی این کشور بود، تلاشهای تونس را به منظور افزایش درآمد سرانه خنثی می کرد. از اوایل دهه ۱۹۶۰، تونس در زمینه کنترل رشد جمعیت، دستخوش نوعی «انقلاب خاموش» شد که این کشور را به صورت مدلی برای کشورهای در حال توسعه، بخصوص همسایگان آن در حوزه مغرب؛ همچون، الجزایر و مراکش و سایر کشورهای عربی منطقه؛ همچون، مصر درآورد. این تغییر و تحول با استفاده از سیاست کنترل و پیش گیری قبل از تولد و با هدف بهبود بهتر شرایط زندگی برای خانواده ها به وجود آمد. در طول چهار دهه گذشته، برنامه ریزی خانواده با هدف جلوگیری از فقر و بعضی از مواقع با توجه به نرخ منفی رشد درآمد سرانه شکل گرفت. در این دوران سیاستهای عمومی با هدف پایین آمدن میزان مرگ و میر کودکان، افزایش سطح امید به زندگی و بهبود کلی شرایط بهداشتی جمعیت به کار گرفته شد. بررسی «مؤسسه آمار ملی تونس» در سال ۱۹۹۹، بر پیشرفت اساسی به وجود آمده در این زمینه تأکید می کند. طبق آمارهای این مؤسسه، در نتیجه اعمال چنین سیاستهایی نرخ رشد طبیعی جمعیت تونس در آستانه هزاره جدید به ۱٫۱ درصد کاهش یافته است.^{۱۵}

بررسیهای دیگر آماری نیز نشان می دهند که برنامه خانواده و سیاستهای جمعیتی تونس موفقیت آمیز بوده اند. طبق این بررسیها، میانگین اندازه خانواده تونسی از ۵٫۲ به ۴٫۹ نفر بین سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۹ رسیده است. در حال حاضر میانگین سنی مردم تونس بین سالهای ۵۹-۱۵، حدود ۶۰ درصد جمعیت را در بر می گیرد. این میانگین در سال ۱۹۶۶، حدود ۴۶٫۵ درصد بود. همچنین میانگین سنی ازدواج در میان مردان و زنان، افزایش یافته است. در حال حاضر نزدیک ۷۱ درصد مردان با سنین ۲۹-۲۵

هنوز ازدواج نکرده اند. این میزان در مورد زنان سنین ۲۵-۲۰ سالگی، حدود ۸۰ درصد است.

در طی سالهای اخیر، مرگ و میر کودکان که یکی از شاخصهای مهم توسعه از سوی سازمانهای وابسته به سازمان ملل در نظر گرفته می شود، در تونس دچار بهبود اساسی شده است. طی چهل سال گذشته، نرخ مرگ و میر از میزان ۱۶۰ در هر ۱۰۰۰ نفر به میزان ۳۰ در هر ۱۰۰۰ نفر کاهش یافته و انتظار می رود که این میزان حتی کاهش بیشتری یابد و به میزان ۱۰ در هر ۱۰۰۰ نفر در سال ۲۰۲۰، یعنی همانند کشورهای توسعه یافته، برسد.^{۱۶}

همچنین امید به زندگی نیز به طور متناوب از اواسط دهه ۱۹۶۰ افزایش یافته و در دهه اخیر به بهترین وضعیت خود رسیده است. در حال حاضر میانگین امید به زندگی در این کشور ۷۲ سال است؛ یعنی، به طور دقیق ۷۴٫۲ سال برای زنان و ۷۰٫۶ برای مردان در نظر گرفته می شود. این میانگین تقریباً نزدیک میانگین کشورهای صنعتی می باشد که ۷۸٫۱ سال برای زنان و ۷۱٫۱ برای مردان است. در مقایسه با سایر کشورهای حوزه مغرب نیز وضعیت تونس بهتر است. به عنوان مثال این میانگین در الجزایر ۷۰ سال برای زنان و ۶۷ سال برای مردان و در مراکش ۶۸ سال برای زنان و ۶۵ سال برای مردان است. در مورد سایر کشورهای آفریقایی این میزان ۵۳ سال برای زنان و ۵۰ سال برای مردان در نظر گرفته می شود. بهبود در این وضعیت نتیجه آشکار اعمال سیاستهای عمومی دولت در زمینه پیش گیری و به طور کلی بهبود شبکه های خدماتی در سراسر کشور است.

در مورد وضعیت مسکن، بیش از ۷۸ درصد مردم تونس دارای مسکن هستند. این امر در نتیجه به کارگیری اعطای وام مسکن به مردم بوده است. در حال حاضر حدود یک سوم جمعیت تونس در منازل شخصی یک طبقه زندگی می کنند. این میزان در مقایسه با پنج سال گذشته که ۲۷٫۸ درصد بود، قابل توجه است. تعداد منازل از ۳۳۴ هزار واحد به حدود ۲٫۲۰۴٫۰۰۰ واحد در سال ۱۹۹۴ افزایش یافته است. علاوه بر آن، آپارتمانهای ۳ اتاق خوابه در حال حاضر ۳۶ درصد کل منازل مسکونی را در مقایسه با پنج سال گذشته که ۳۰ درصد بودند، در بر می گیرند. به طور کلی در نتیجه اجرای سیاستهای عمومی دولت در سالهای اخیر، مشکل مسکن در حال کاهش است.

در زمینه استفاده از سایر خدمات رفاهی نیز وضعیت زندگی مردم تونس در حال بهبود است. در حال حاضر نزدیک ۹۵ درصد واحدهای مسکونی به شبکه سراسری برق متصل می باشند. در مقایسه، این میزان در شش سال گذشته حدود ۵۹ درصد بود. همچنین ۷۵٫۲ درصد مردم تونس به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند. این امر در پنج سال گذشته، ۶۹٫۵ درصد بود. حدود ۸۵ درصد مردم تونس حداقل یک تلویزیون و ۶۸ درصد نیز یک یخچال در منزل مسکونی خود دارند. اما فقط ۲۷ درصد مردم یک تلفن در منزل خود دارند. البته انتظار می رود که با سرمایه گذاری های انجام شده، شبکه های ارتباطی تلفنی در آینده ای نزدیک افزایش یابد. در مورد اتومبیل شخصی نیز اگر چه ۱۷ درصد مردم تونس به آن دسترسی دارند، اما دولت تلاش های جدی به منظور تشویق شهروندان به خریداری اتومبیل های کوچک با مصرف پایین و قیمت مناسب، از طریق تشویق های مالیاتی انجام داده است.^{۱۷}

با توجه به موارد فوق، می توان گفت که از یک دهه گذشته، دولت تونس به دستاوردهایی در زمینه توسعه انسانی و اجتماعی دست یافته است. این مسئله با توجه به سیاست گذاری های عمومی دولت در این زمینه میسر شده است. از جمله اقدامات دولت در طول سال های اخیر، تأسیس مؤسساتی همچون، «صندوق وحدت ملی»^(۱)، «صندوق وحدت تونس»^(۲) و یک مؤسسه اعتباری کوچک می باشد. به عنوان مثال برنامه های صندوق وحدت ملی از سال ۱۹۹۳ در زمینه مسکن، در مورد بیش از ۱۴۰۰ طرح به اجرا درآمد که بر زندگی نزدیک به یک میلیون نفر تأثیر گذاشته است. اجرای این طرح ها شرایط زندگی مردم را با توجه به فراهم آوردن فرصت های شغلی افزایش درآمد، بهبود بخشیده است. بانک وحدت تونس نیز با اعمال سیستم وام های خرد، امکان تهیه منابع مالی برای نواحی فقیر و ادغام ساکنین این نواحی را در کل جامعه فراهم کرده است. در نتیجه اقدامات فوق، سازمان های وابسته به سازمان ملل، پیشرفتهای تونس در این زمینه را ستایش کرده اند. از این لحاظ، تونس از لحاظ درجه بندی شاخص توسعه انسانی «برنامه توسعه ملل متحد» (UNDP)، در میان ۱۰ کشور اول در حال توسعه قرار دارد.^{۱۸}

1. The National Solidarity Fund
2. Tunisian Solidarity Fund

تقویت طبقه متوسط: نیروی محرک رشد و توسعه

از یک دیدگاه کلی، وجود یک طبقه متوسط قوی با توسعه سیاسی و ثبات اقتصادی-اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. لذا ایجاد یک طبقه متوسط باید هدف اصلی هر دولت یا هر رهبر سیاسی به منظور ایجاد تعادل بین رشد و توسعه و تقسیم موفقیت جامعه باشد. تونس در دوران ریاست جمهوری بن علی گامهای اساسی در جهت ایجاد طبقه متوسط نیز برداشته است. از اوایل دهه ۱۹۹۰، دولت این کشور حرکتی پویا در زمینه انجام تغییرات اجتماعی آغاز کرده که شامل تغییر در تفکرات، رفتارها و الگوهای ارتباطاتی می شود. چنین حرکتی که بر رفتار دولت، وزارتخانه‌ها، سازمانهای تجاری و مهمتر از همه روابط با دنیای خارج تأثیر گذاشته، با هدف ایجاد تغییرات بر بنیانهای جدید و با به کارگیری یک سیستم مدرن اجتماعی-اقتصادی انجام گرفته است.^{۱۹}

دولت جدید تونس در یک دوره زمانی به نسبت کوتاه، شاخص خرد اقتصادی کشور را به سرعت بهبود بخشید، این در حالی بود که ارزشهای اساسی تونس‌ها در زمینه عدالت اجتماعی نیز از یاد برده نشدند. در این دوران هم بخشهای عمومی و هم بخشهای خصوصی از درآمد بیشتری برخوردار شدند. این جریان منجر به ایجاد طبقه متوسط با ثبات شد که در واقع نوعی ساختار جدید اجتماعی در منطقه مغرب ایجاد گردید. در حال حاضر میانگین طبقه متوسط تونس نسبت به کل جمعیت، نمایان گر مقیاس بزرگی نسبت به استانداردهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) است.

همچنین در طی سالهای اخیر دولت تونس در حال توسعه سیاستهایی به منظور ایجاد تعامل بین دولت و جامعه در درون چارچوبی از ارزشهای فرهنگی و پیشرفت اجتماعی به سوی ایجاد یک طبقه متوسط مؤثر در درون جامعه است. طبقاتی همچون، مدیران و کارمندان دولت، اساتید دانشگاه، معلمان و روشن فکران، خرده تاجران و حتی کشاورزان نیز درون این چارچوب به عنوان طبقه متوسط تعریف می شوند. این امر به دولت اجازه می دهد تا در جهت توسعه برنامه‌های ویژه گام مؤثری بردارد و روند تصمیم‌گیریها را با در نظر گرفتن منافع و ملاحظات طبقه متوسط تنظیم کند.^{۲۰} از دیدگاه دولت جدید، حضور یک طبقه متوسط با

ثبات در کشوری چون تونس، برای ایجاد تعادل بین ساختارهای اجتماعی که ثبات سیستم را در برابر جنبشهای رادیکال سیاسی مخالف محافظت می کند، امری ضروری است. بن علی رئیس جمهوری تونس در نطقی در سال ۱۹۹۴ اظهار داشت: «قدرت و عدم آسیب پذیری یک جامعه به طور اساسی به وجود وحدت و اندازه طبقه متوسط آن جامعه بستگی دارد.»^{۲۱}

واقعیت این است که توسعه یک طبقه متوسط پایا و با دوام در تونس، این کشور را قادر ساخته است تا با پیشرفت در زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی، فاصله خود را در زمینه پیشرفت شاخصهای انسانی با دنیای توسعه یافته کمتر کند و به صورت مدل و الگویی برای کشورهای منطقه در آید. در این راستا گزارش توسعه انسانی UNDP در سال ۱۹۹۹ نشان می دهد که تونس از طریق تسهیل بازار اقتصادی مطمئن و با دوام، در حمایت از آسیب پذیری جامعه خود از تأثیرپذیری افراطی روند جهانی شدن، موفق بوده است. این گزارش همچنین روشن می سازد که امید به زندگی در تونس با میانگین جهانی آن قابل مقایسه است. البته نرخ باسوادی بزرگ سالان در تونس حدود ۶۶٫۷ درصد است که هنوز پایینتر از میانگین جهانی آن یعنی حدود ۸۳٫۳ درصد می باشد.^{۲۲}

تقویت بنیه اقتصادی تونس

هر چند اقتصاد تونس در طول سالهای گذشته و از زمان استقلال با فراز و نشیبها و آشفتگیهای زیادی روبه رو بوده، اما در سالهای اخیر به عنوان یکی از قویترین و با ثبات ترین مورد مدرنیزه شدن اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، از اعتبار و رشد قابل توجهی برخوردار شده است. طبق گزارش «صندوق بین المللی پول» و «بانک جهانی»، تقویت بنیه اقتصادی نقش مهمی در انجام اصلاحات و آزادسازی و رشد بادوام در طول سالهای گذشته داشته است.^{۲۳}

در طول سالهای اولیه پس از استقلال و تحت تأثیر نظام اقتصادی سوسیالیستی، تلاشهایی از سوی دولت تونس در جهت استعمارزدایی از اقتصاد کشور، ملی کردن صنایع، صنعتی کردن با محوریت دولتی و ایجاد یک سیستم رفاهی از طریق توزیع مجدد ثروت،

صورت گرفت. اگر چه دوران سوسیالیستی دهه ۱۹۶۰ به سرعت پشت سر گذاشته شد و در دهه ۱۹۷۰ یک فرمول اقتصادی مختلط به کار گرفته شد، اما در طول این سالها دیوان سالاری دولتی، منافع اقتصادی خود را بر بخش وسیعی از منابع تولیدی و توزیعی کشور گسترش داده بود. در این دوران هر چند رشد سریع از طریق منابع مالی ناشی از درآمدهای نفتی، درآمدهای کارگران و قروض خارجی، بنیان نهاده شد، اما این رشد انعکاسی از تقویت صادرات کشور یا رقابت بین المللی تونس نبود. عمده ترین دستاورد این سالها سرمایه گذاری گسترده در منابع انسانی بود که با پیشرفت سریع در رشد با سوادی، شاخص رشد اجتماعی-اقتصادی زنان، رشد آموزش و قوانین تحصیلات عالیة تونس همراه بود.^{۲۴} در اواسط دهه ۱۹۸۰ با پایین آمدن قیمت نفت و تقاضا برای نیروی کار مهاجر، اقتصاد تونس دچار رکود شدید شد. وجود قروض خارجی و بالا رفتن تورم و کاهش ارزش پول، اوضاع اقتصادی را بدتر کرد. این مسایل منجر به بروز بحران سیاسی دولت بورقیده گردید.

به قدرت رسیدن بن علی در سال ۱۹۸۷ را می توان آغاز دوره جدیدی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی تونس به شمار آورد. دولت جدید با اعمال یک سیاست محکم مالی از طریق برنامه جامع تعدیل اقتصادی، تلاش گسترده ای را در جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور آغاز کرد. سیاست تعدیل اقتصادی در طول سه برنامه توسعه اجرا گردید. اولین برنامه توسعه اقتصادی دولت جدید (۱۹۹۰-۱۹۸۷) با هدف ثبات سازی خرد اقتصادی آغاز شد. در اثر اجرای این برنامه کسری بودجه به سرعت برطرف شد، مالیاتها افزایش یافت، یارانه ها حذف شدند، افزایش قیمتها تحت کنترل درآمد و تورم مهار گردید. اصلاحات ساختاری ابتدایی، شامل آزاد سازی ارز خارجی، کنترل سرمایه ها، تجارت و خدمات مالی می شدند. به کارگیری قوانین و ترتیبات جدید اقتصادی، موجب تشویق سرمایه گذاریهای خارجی شد. به دنبال آن برنامه های هشتم و نهم (به ترتیب بین سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۲ و ۲۰۰۱-۱۹۹۷) سرعت اصلاحات ساختاری را تسریع کرد. در طول این برنامه ها تأکید زیادی بر حمایت از آموزش شغلی و مدیریتی و بهبود فرصتهای شغلی کارگری با هدف حمایت از اقشار کم درآمد صورت گرفت.^{۲۵}

نتیجه فعالیت‌های فوق، تقویت بنیه اقتصادی تونس است. در حال حاضر شاخص‌های اصلی اقتصادی تونس از وضعیت مناسب و از اعتماد بین‌المللی برخوردار شده است. در طول پنج سال گذشته میانگین رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) بیش از ۵ درصد بوده است و انتظار می‌رود که در دهه آینده به رشد معادل ۶ درصد برسد. درآمد سرانه تونس که حدود ۵۰۰۰ دلار است، هر چند همپایه درآمد سرانه کشورهای فقیر اروپایی است، اما در میان کشورهای آفریقایی از همه بالاتر است. تورم به زیر ۳ درصد رسیده و کسری بودجه به ۲٫۵ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) تقلیل یافته است. قروض خارجی نیز به میزان ۱۰٫۵ میلیارد دلار کاهش یافته، یعنی از ۲۸ درصد به ۱۸ درصد رسیده است.^{۲۶} این بدان معناست که تونس موفق شده تا تعهدات مالی خود در باز پرداخت بدهی‌های خارجی را با موفقیت پشت سر بگذارد. همین امر موجب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی شده است.

در طول سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری در بخش تولید انرژی به سرعت گسترش یافته و این بخش به طور روز افزون در حال ادغام در شبکه‌های توزیعی منطقه‌ای و مدیترانه‌ای است. اروپا و آمریکا منابع اصلی سرمایه‌گذاری در این بخش هستند. البته صدور منابع انرژی تنها حدود ۱۰ درصد از صادرات کشور را در بر می‌گیرد. این امر نتیجه‌ای از صنعتی شدن سریع کشور است. امروزه تولیدات کشور نزدیک به یک چهارم تولید ناخالص داخلی (GDP) و بیش از نیمی از صادرات کشور را تشکیل می‌دهد که شامل محصولات نساجی، کالاهای چرمی، تولیدات غذایی و کالاهای صنعتی و الکترونیکی می‌شود. بخش رشد یافته شامل بخش الکترونیک، شیمیایی و بخش خودروسازی است. به طور کلی تولیدات کشور با جهت‌گیری صادراتی، در حال متنوع شدن و در جهت خصوصی سازی پیش می‌روند.^{۲۷}

هر چند بخش کشاورزی در طول این سالها کمتر مورد توجه قرار گرفته، اما این بخش هنوز ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور و ۲۲ درصد صادرات و یک چهارم نیروی کار را به خود اختصاص داده است. دولت نیز به منظور پیشرفت و توسعه این بخش یک برنامه درازمدت را به منظور بهبود وضعیت منابع آبی و جلوگیری از آسیب‌پذیری و ضررهای زیست محیطی از یک طرف و توسعه آموزش، تولید و تسهیلات کمکی بازاریابی برای

کشاورزان از طرف دیگر در پیش گرفته است. محصولات اصلی شامل زیتون، غلات، خرما، میوه جات، چغندر قند و محصولات روزانه هستند که اکثر آنها با رقابت شدیدی در بازار مدیترانه و نسبت به تولیدکنندگان این منطقه روبه روی می باشند.

صنعت توریسم نیز به سرعت در حال توسعه است و از طریق سرمایه گذاریهای وسیع عمومی و خصوصی در ساختهای زیربنایی کشور، حمایت می شود. این بخش اخیراً ۶ تا ۷ درصد تولید ناخالص داخلی را در بر گرفته و دولت تونس با اجرای طرحهایی سعی در بهبود بازاریابی خارجی و افزایش کیفیت خدمات در این بخش دارد. البته این بخش در اثر نوساناتی که مربوط به بی ثباتیهای سیاسی منطقه ای و نوسانات به وجود آمده در ارز اروپایی می شود، همچنان آسیب پذیر است.^{۲۸}

البته در کنار تمامی موفقیت‌های فوق و به رغم رشد صادراتی کاملاً مؤثر در سالهای اخیر، کشور تونس همچنان از مشکلات اقتصادی زیادی رنج می برد. به عنوان مثال این کشور همچنان به طور گسترده ای به همکاریهای تجاری با اروپا وابسته مانده است. آسیب پذیری این کشور زمانی که بحران اقتصادی شرق آسیا منجر به کاهش هزینه های کار و قیمت‌های صادرات در آن منطقه شد، آشکار گردید. در اثر این بحران، مصرف کنندگان اروپایی از صنایع حیاتی صادراتی تونس همچون صنایع نساجی روی گردان شدند. همچنین تداوم ناتوانی بخش بانک داری این کشور سبب شده که تلاشها در جهت بهبود شفافیت و رقابت پذیری و مطرح کردن ترتیبات قانونی به منظور رشد و تقویت بانکها و تطبیق با استانداردهای بین المللی از لحاظ میزان سرمایه، به نتایج مطلوبی نرسد و هنوز حالت ضعف در سیستم بانک داری این کشور وجود داشته باشد.

بیکاری نیز به عنوان یکی از معضلات اصلی دولت باقی مانده است. نمودارهای رسمی میزان این بیکاری را حدود ۱۵ الی ۱۶ درصد از اواسط دهه ۱۹۹۰ در نظر می گیرند. هر چند در طول دهه گذشته، دولت تونس تلاشهایی به منظور جلوگیری از رشد بیکاری از طریق خصوصی سازی بخش اقتصاد انجام داده است، اما به طور کلی توان اقتصادی کشور در جذب بیش از حدود ۹۰ درصد شغل‌های جدیدی که هر ساله نیازمند آن است، به طور کامل موفق

نبوده است. وضعیت بیکاری در نواحی جنوبی کشور بیشتر است. در واقع وقتی کار، سخت پیدا شود زمینه های آشفته گی و بی ثباتی سیاسی نیز فراهم می گردد. به عنوان مثال به ناآرامیهای بهار سال ۲۰۰۰ می توان اشاره کرد که در آن اعتراض کنندگان بر نگرانیهای خود در مورد مشکل بیکاری تأکید کردند.^{۲۹}

تلاش تونس در جهت ادغام در اقتصاد جهانی

در طول سالهای اخیر تلاشهای زیادی از سوی دولت جدید تونس در جهت ادغام در اقتصاد جهانی صورت گرفته است. در واقع تونس اولین کشور حوزه مدیترانه است که با هدف تأسیس یک منطقه آزاد تجاری در مدیترانه تا سال ۲۰۰۸، تحت پوشش بخش اروپا-مدیترانه ای جامعه اروپا (EU) با این جامعه، موافقت نامه تجاری به امضا رسانده است. سابقه فعالیت این کشور در جهت ادغام در اقتصاد غرب، به اوایل سال ۱۹۶۳ بر می گردد که تونس و سایر کشورهای حوزه مغرب شروع به مذاکراتی به منظور نهادینه کردن روابط خود با جامعه اروپا کردند. در سال ۱۹۶۹، یک رشته موافقت نامه های دو جانبه با هدف ایجاد رژیم آزاد تجاری بین جامعه اروپایی و کشورهای مغرب به امضا رسید. همچنین در سال ۱۹۷۶ موافقت نامه های همکاریهای دو جانبه گسترده ای نیز که نه تنها مربوط به تجارت، بلکه به مسایل و همکاریهای تکنولوژیکی می شد، بین طرفین به امضا رسید.

به طور کلی تلاشهای اولیه کشورهای مغرب و بخصوص تونس در زمینه ایجاد یک رژیم آزاد تجاری بین کشورهای دو سوی مدیترانه به موفقیت نرسید. هر چند دلایل این شکست به مشکلاتی همچون ایجاد فشار از ناحیه گروههای ذینفوذ در اروپا از جمله گروههای ذینفوذ در بخش کشاورزی، منسوجات و صنایع این کشورها بر می گشت، اما دلایل اصلی این عدم موفقیت به وجود عدم تقارن عمده در زمینه توان و نفوذ اقتصادی بین کشورهای مغرب و اروپا، به نفع اروپا بود. به عنوان مثال در سال ۱۹۸۰، ۷۰ درصد واردات تونس از جمله اروپا صورت می گرفت و ۷۲ درصد از صادرات تونس نیز به جامعه اروپا می رفت. اما در مقایسه، واردات تونس از جامعه اروپا تنها ۰٫۴ درصد کل صادرات جامعه اروپا را در بر می گرفت و

صادرات این کشور به جامعه اروپا نیز تنها ۰٫۷ درصد کل واردات جامعه اروپا به حساب می‌آید.^{۳۰}

تلاش‌های جدید تونس برای ادغام در اقتصاد جهانی، همزمان با روی کار آمدن دولت جدید این کشور در سال ۱۹۸۷، آغاز گردید. تحت حکومت بن علی، تونس اصلاحاتی را در جهت آزادسازی اقتصادی با هماهنگی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در طول اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به اجرا درآورد^{۳۱}، به نحوی که این کشور آمادگی لازم را برای امضای موافقت‌نامه آزاد تجاری با جامعه اروپا پیدا کرد. در سال ۱۹۹۵، «اعلامیه بارسلون» به وسیله ۲۷ کشور منطقه اروپا-مدیترانه به امضا رسید که نمایان‌گر تلاش دیگری به منظور ایجاد یک رژیم آزاد تجاری بین جامعه اروپا و نه تنها کشورهای منطقه مغرب، بلکه تمامی کشورهای جنوبی مدیترانه، همچنین کشورهایی چون اردن بود که حتی مرزهای آبی در دریا نیز نداشتند. اعلامیه جدید با اهداف زیر صادر شد:

۱. اجرای کامل قوانین تجارت آزاد در مورد کالاهای صنعتی در یک دوره زمانی ۱۲ ساله، بدون «محدودیت‌های اختیاری» بر منسوجات یا هر کالای دیگری؛
۲. آزادسازی تدریجی تجارت محصولات کشاورزی و به کارگیری جریان تجارت سنتی به عنوان نقطه آغاز؛
۳. آزادسازی تدریجی تجارت در زمینه خدمات؛
۴. حمایت از مالکیت فردی و خصوصی؛
۵. هماهنگ‌سازی بین ساختارهای عادی، ارزشها و استانداردها، چنانچه تجارت از شکل طبیعی آن خارج نشود؛
۶. گسترش همکاریهای اقتصادی و مالی.^{۳۲}

با این موافقت‌نامه کشورهای مغرب در حال حاضر به کالاهای ساخته شده جامعه اروپا اجازه ورود بدون گمرک به کشور هایشان را می‌دهند که در واقع یک قرارداد واقعی تجارت آزاد چند جانبه بین دو طرف است.

زمینه‌های خوشبینانه‌ای در زمینه موافقت‌نامه فوق وجود دارد، چرا که وضعیت جهان

در سال ۱۹۹۵، با وضعیت آن در سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۷۶ تفاوت زیادی دارد. در آن سالها ویژگی اصلی نظام بین‌المللی، جنگ سرد بود، در حالی که ویژگی اصلی آن در حال حاضر «جهانی‌شدن» است. در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، کشورهای اروپایی همواره نگران حفظ قراردادهای اجتماعی داخلی خود بودند که به معنای آگاهی مداوم اتحادیه‌های کارگری و سایر گروه‌های ذینفوذ بود. امروزه دولتهای اروپایی لیبرال‌تر شده‌اند و لذا آسیب‌پذیری و پیوستگی آنها با گروه‌های ذینفوذ کمتر گردیده است. به علاوه، که در آن سالها منابع مالی و ابزار کمک‌های خارجی وجود داشت، لذا کشورهای این منطقه راحت‌تر تطمیع می‌شدند. اما امروزه بودجه‌بندیهای سخت‌تر، منجر به کاهش ارایه کمک خارجی می‌شود. در نهایت، کشورهای اروپایی به طور جدی از آثار بی‌ثباتی در کشورهای مغرب و مهاجرت ناشی از آن نگران هستند. به عنوان مثال جنگ داخلی در الجزایر، این نگرانی را تقویت می‌کند، به طوری که منجر به تشکیل و افزایش فعالیتهای گروه‌ها و احزاب سیاسی افراطی ضد مهاجرت در کشورهای اروپایی شده است.

کشورهای اروپایی در نهایت به این واقعیت رسیدند که یا باید گروه‌های جوان کشورهای مغرب را در اروپا به کار گیرند و یا به آنها کمک کنند تا کاری در خانه خودشان بیابند. از این لحاظ، بهترین راه کمک به رشد اقتصادی کشورهای مغرب، ایجاد رژیم تجارت آزاد بین دو منطقه است. بنابراین یکی از دلایل اصلی اعلامیه بارسلون، درک این واقعیت‌های امنیتی و نگرانیهای ناشی از بی‌ثباتی در اطراف مرزهای اروپا، به ویژه منطقه مدیترانه در شرایط بعد از جنگ سرد است که اروپایی‌ها را وادار به همکاری و کمک به کشورهای این منطقه کرده است. در این میان تونس در میان کشورهای شمال آفریقا، بیشترین تعهد را نسبت به موافقت‌نامه بارسلونا به نمایش گذاشته و نشان داده که این کشور در تلاشهایش برای ادغام در اقتصاد جهانی بسیار مشتاق و جدی است.

تونس نیز همانند کشورهای جامعه اروپا، تمایل قوی به ایجاد ثبات در منطقه مدیترانه دارد. به عنوان کشور کوچکی که بین دو کشور بزرگ دیگر، یعنی، لیبی که کشوری غیر قابل پیش‌بینی و الجزایر، که کشوری درگیر جنگ داخلی است، دولت جدید تونس به این

نتیجه رسیده است که انزوا و خود اتکایی اقتصادی یک استراتژی مناسب برای توسعه اقتصادی کشور نیست. لذا مقامات این کشور موافقت نامه اتحادیه تجارت آزاد اروپا-مدیترانه را به عنوان ابزار ورود به راه سخت و دشوار رقابت در اقتصاد جهانی می دانند که در آن عناصر تجارت آزاد به طور تدریجی و با کمک و حمایت مالی و تکنیکی جامعه اروپا باید به کار گرفته شوند. در واقع تونس ها در کوتاه مدت به این بینش رسیده اند که بهترین راه ادغام در اقتصاد جهانی، برقراری ارتباط با جامعه اروپا است.

البته در کنار مزایایی که در زمینه به کارگیری استراتژی فوق وجود دارد، خطراتی نیز برای اقتصاد تونس متصور است. اولین خطر، عدم تقارن عمده ای است که بین تونس و جامعه اروپا وجود دارد. این عدم تقارن از لحاظ توان اقتصادی سبب شده که تونس بیش از اندازه به جامعه اروپا وابسته گردد. نتیجه این امر کاهش قدرت مانور اقتصادی تونس با جامعه اروپا می باشد. در واقع کالاهای ساخته شده تونس با رقابت های شرکتهای اروپایی مواجه می شوند که از بنیة اقتصادی قویتر و کاملاً متفاوتی برخوردارند.^{۳۳} موافقت نامه تجارت آزاد نه تنها بازار جامعه اروپا را بر روی کالاهای تونس باز می کند، بلکه از سوی دیگر بازار تونس را نیز به سوی کالاهای اروپایی می گشاید. در نتیجه ممکن است بسیاری از شرکتهای تونس توان رقابت با شرکتهای اروپایی را نداشته باشند و لذا ورشکست شده و نتیجه این امر نیز افزایش بیکاری در سطح جامعه است. در واقع وقتی که کالاهای اروپایی با کیفیت بهتر و بهایی کمتر وارد بازار تونس شوند، تعادل تجاری به هم می خورد.

چالش دیگر برای کشور تونس در این روند این است که درآمدهای عمومی در شرایطی که تعرفه ها جابه جا شوند، کاهش می یابند. تعرفه های مالی در حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از هزینه های عمومی تونس را شامل می شوند. در چنین حالتی، دولت یا مجبور به جستجوی منابع درآمد داخلی براساس مالیات بر درآمدها می شود و یا مالیات بر مصرف را افزایش می دهد و یا به ناچار مخارج دولت را کاهش می دهد. نتیجه تمامی مشکلات فوق، کاهش قدرت مانور اقتصادی دولت در اثر آزادسازی تجارت و اقتصاد است. خطر دیگری نیز که در این راستا وجود دارد مربوط به صدور محصولات کشاورزی است که در چارچوب رژیم تجارت آزاد دچار محدودیتهایی می گردد.^{۳۴}

ارتباطات بین‌المللی و سیاست خارجی تونس

قانون اساسی تونس خواستار اتحاد منطقه مغرب بزرگ (شامل کشورهای مراکش، الجزایر، لیبی و تونس) است^{۳۵}، اما شکافهای گسترده اقتصادی و سیاسی در سیستمهای کشورهای این منطقه، دسترسی به این هدف آرمانی را با مشکلات جدی روبه‌رو ساخته است، به طوری که از سال ۱۹۵۶ روابط تونس با کشورهای همسایه آن از فرازونشیبهای زیادی از روابط نزدیک و صمیمی گرفته تا روابط خصمانه و حتی پیشروی تا آستانه جنگ، برخوردار بوده است.^{۳۶} در میان کشورهای منطقه برقراری سیاست معقول و بی طرفانه با دو همسایه بزرگ یعنی الجزایر و لیبی، همواره از اهمیت خاصی در سیاست خارجی تونس برخوردار می‌باشد. روابط با مصر نیز در طول این سالها از ثبات و تعادل بیشتری برخوردار بوده است. این روابط در دوران زمامداری دولت جدید به طور روز افزون در حال پیشرفت و بهبودی است. به طور کلی روابط تونس با جهان عرب را می‌توان در چارچوب نقش مداوم و مؤثر این کشور در روند صلح اعراب و اسراییل ارزیابی کرد. در اوایل دهه ۱۹۵۰، رهبران تونس تماسهایی محتاطانه و غیررسمی با اسراییل به منظور تقویت نقش تونس در دوران پس از استقلال برقرار کردند. مواضع عمومی تونس در حمایت از صلح اعراب و اسراییل به مارس ۱۹۶۵ در سخنرانی ناگهانی حبیب بورقیبه، رئیس‌جمهوری این کشور، در امان برمی‌گردد که در آن از ملت عرب خواست تا اسراییل را به رسمیت شناخته و به منظور مذاکره برای دستیابی به یک راه حل صلح آمیز براساس قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل، با این کشور وارد گفتگو شوند. این مواضع تونس، انتقادات گسترده‌ای را در جهان عرب به دنبال داشت و روابط این کشور را با دولتهای عرب تحت تأثیر قرار داد. در سال ۱۹۷۰، بعد از مبارزه ناموفق سازمان آزادی بخش فلسطین با اردنی‌ها، دولت تونس هیأت صلح عربی را به منظور عادی کردن اوضاع به امان فرستاد.

فصل جدید دخالت تونس در تلاشهای میانجی‌گرانه صلح اعراب و اسراییل، به بعد از تهاجم اسراییل به لبنان در سال ۱۹۸۲ برمی‌گردد. در این زمان تونس پذیرای رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین و کادر و اعضای آن در پایتخت خود شد. همین امر منجر به

حمله هوایی اسرائیل علیه اهداف فلسطینی در تونس گردید. در دسامبر ۱۹۸۸، در نتیجه پذیرش قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی یاسر عرفات و بیانیه صریح او در محکومیت تمامی اشکال تروریسم، مذاکرات مستقیم میان ایالات متحده و سازمان در تونس آغاز شد. در این مرحله دولت تونس زمینه‌های برقراری ارتباط مستقیم بین دو طرف را فراهم کرد و نقش یک میانجی و «مشاور با اعتماد» را برای رهبری سازمان ایفا کرد که تا به امروز نیز ادامه دارد. همچنین تونسی‌ها نقش مهمی در برگزاری کنفرانس صلح مادرید در سال ۱۹۹۱ داشتند. بعد از انعقاد قرارداد «غزه-اریحا» تونسی‌ها نه تنها به اعضای رهبری سازمان برای انتقال به غزه یاری رساندند، بلکه چند برنامه آموزشی ساختاری برای تشکیلات در حال شکل‌گیری فلسطینی، شامل تجربیات موفق تونسی‌ها در برنامه‌ریزی امور خانواده، اجرا کردند.^{۲۷}

گرایش سنتی تونس در سیاست خارجی به سوی غرب، بخصوص فرانسه و در دوران زمامداری بن علی به سوی آمریکا می‌باشد. بورقیبه، رهبر سابق تونس، به رغم اینکه به نوعی رهبری مبارزات استقلال طلبانه این کشور علیه استعمار فرانسه را بر عهده داشت، لیکن به نحو بارزی دارای تعلقات ذهنی، روحی و فرهنگی به فرانسه بود. طبیعت نهضت استقلال طلبانه تونس که هدف آن ایجاد کشوری آزاد و مستقل بر مبنای الگوی فرانسوی بود با برداشت بورقیبه هماهنگی داشت. لذا از آن زمان سیاست خارجی تونس، این کشور را در جرگه کشورهای وابسته به غرب قرار می‌دهد. در طول سالهای گذشته به دلیل همین وابستگی از یک سو ریشه‌های عمیق فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فرانسه در تونس گسترش یافته است، به نحوی که این کشور را به سوی فرانسه و اروپا سوق می‌دهد و از سوی دیگر، نیازمندی تونس به منابع مالی و تواناییهای اقتصادی و تکنولوژیک آمریکا، تونس را به سوی برقراری ارتباطات گسترده اقتصادی و سیاسی با این کشور کشانده است. در طول دهه‌های گذشته، به رغم سرمایه‌گذارهای اندک خصوصی ایالات متحده در تونس، ایالات متحده بزرگترین منبع کمک کننده به تونس از زمان استقلال این کشور، یعنی بالغ بر یک میلیارد دلار، بوده است.^{۲۸} اختصاص این کمکها در دوران ریاست جمهوری بن علی افزایش یافته است.

کمک‌های ایالات متحده به منظور توسعه اقتصادی تونس به دلیل موقعیت استراتژیک و حساس این کشور در منطقه مدیترانه می‌باشد. موقعیت تونس از لحاظ همسایگی با کشور لیبی که از سوی آمریکا یکی از منابع بی‌ثباتی و تشنج در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به حساب می‌آید، اهمیت خاصی به این کشور در محاسبات ایالات متحده می‌بخشد. در طول دهه ۱۹۸۰، دولت آمریکا برای اعلام حمایت خود از تونس در برابر لیبی، پرچم‌های خود را در آب‌های تونس برافراشت. بر همین اساس ایالات متحده همواره با درخواست‌های دولت تونس مبنی بر افزایش کمک‌های اقتصادی و تکنولوژیک و کمک‌های نظامی شامل ارسال تسلیحات پیشرفته نظامی بخصوص تانک و هواپیماهای جنگنده موافقت کرده است.

بنابراین اگر چه به طور سنتی ارتباط تونس با اروپا و به ویژه فرانسه می‌باشد و دولت مردان تونس سعی در برقراری توازن بین فرانسه و آمریکا دارند، اما در دوران ریاست جمهوری بن علی، تلاش برای برقراری رابطه گسترده‌تر با آمریکا آغاز شده است. این تلاش‌ها شامل جذب سرمایه‌گذاری‌های آمریکایی، چه به صورت مستقیم و چه به صورت شرکت‌های تجاری مشترک تونس-آمریکایی، فعالیت در زمینه جذب توریسم و مواردی از این قبیل می‌باشد. رییس جمهوری تونس تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید: «ما با مردم آمریکا در مفاهیمی چون تعهد به آزادی، دموکراسی و تحقق صلح، امنیت و ثبات و براساس اتحاد میان ملت و مردم، اشتراکات فکری داریم».^{۳۹}

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتیجه‌گیری

هر چند بررسی شاخص‌های موجود و مراجعه به آمار و ارقام نشان گر رشد و پیشرفت تونس در جنبه‌های مختلف انسانی، اجتماعی و اقتصادی در طول سال‌های اخیر است، اما مشکل اساسی این کشور یعنی عدم تداوم روند آزاد سازی سیاسی و حرکت در جهت رشد دموکراسی که پیش شرط هر گونه توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، هنوز پابرجاست. در جهان امروزه، وجود دموکراسی هسته مرکزی حیات سیاسی و اقتصادی جوامع را تشکیل می‌دهد. هر چند تمامی نظام‌های سیاسی جهان به نوعی مدعی پیروی از

اصول دموکراسی و آزادی هستند، اما بین عنوان، گفتار و کردار تفاوت‌های شگرفی وجود دارد. رشد دموکراسی و آزادسازی سیاسی در کشورهای در حال توسعه از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است، چرا که با مشروعیت حکومت و بقای نظام ارتباط پیدا می‌کند. به همین دلیل حرکت در این جهت مشکلات زیادی برای حکومتها به دنبال می‌آورد. کشور تونس نیز از این امر مستثنی نیست.

تونس از زمان به قدرت رسیدن بن علی تنها یک دوره کوتاه دموکراسی واقعی و آزادسازی سیاسی؛ یعنی، از نوامبر ۱۹۸۷ (زمان به قدرت رسیدن) تا انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در آوریل ۱۹۸۹ را تجربه کرده است. طی این مدت کوتاه بار دیگر احزاب فعالیت خود را آغاز کردند و پس از اصلاح قانون مطبوعات نشریات گوناگون منتشر شدند. اما پس از این دوره، فعالیت‌های سیاسی در نتیجه موضع گیریهای گروههای مخالف که نتیجه طبیعی وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی کشور است، بار دیگر محدود گردید. در سالهای آتی مهمترین مانع در راه توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور، چگونگی تداوم روند آزادسازی سیاسی است که شرط لازم و اجتناب ناپذیر برای لجستیک کردن رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و فرهنگی کشور و ادغام در اقتصاد جهانی و در نهایت راه حل نهایی انجام اصلاحات و برقراری ثبات دراز مدت می‌باشد. □

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱: مساحت، جمعیت و تراکم جمعیت تونس

<p>۱۵۴,۵۳۰ ۹,۰۸۰ ۱۶۳,۶۱۰</p>	<p>* مساحت (کیلومتر مربع) - زمین - آبهای داخلی - جمع مساحت</p>
<p>۶,۹۶۶,۱۷۳ ۴,۴۴۷,۳۴۱ ۴,۳۳۸,۰۲۳ ۸,۷۸۵,۳۶۴</p>	<p>* جمعیت (نتایج سرشماری) ۳۰ مارس ۱۹۸۴ ۲۰ آوریل ۱۹۹۴ - مردان - زنان - جمع کل</p>
<p>۸,۹۵۷,۵۰۰ ۹,۰۸۹,۳۰۰ ۹,۲۱۴,۹۰۰</p>	<p>* جمعیت (تخمینهای رسمی در اواسط سال) سال ۱۹۹۵ سال ۱۹۹۶ سال ۱۹۹۷</p>
<p>۵۹,۶</p>	<p>* تراکم جمعیت (در کیلومتر مربع) در اواسط سال ۱۹۹۷</p>

منبع:

The Middle East and North Africa (MENA), 2000, p. 1095.

جدول شماره ۲: میزان تولد، ازدواج و مرگ در تونس

میزان فوت شدگان به ثبت رسیده		میزان ازدواجهای به ثبت رسیده		میزان متولدين ثبت شده		سال
نرخ در هر ۱۰۰۰ نفر	تعداد	نرخ در هر ۱۰۰۰ نفر	تعداد	نرخ در هر ۱۰۰۰ نفر	تعداد	
۵,۶	۴۵,۷۰۰	۶,۸	۵۵,۶۱۲	۲۵,۴	۲۰۵,۳۴۵	۱۹۹۰
۵,۶	۴۶,۵۰۰	۷,۱	۵۹,۰۱۰	۲۵,۲	۲۰۷,۴۵۵	۱۹۹۱
۵,۵	۴۶,۳۰۰	۷,۶	۶۴,۷۰۰	۲۵,۲	۲۱۱,۶۴۹	۱۹۹۲
۵,۷	۴۹,۴۰۰	۶,۳	۵۴,۱۲۰	۲۴,۱	۲۰۷,۷۸۶	۱۹۹۳
۵,۷	۵۰,۳۰۰	۵,۹	۵۲,۴۳۱	۲۲,۷	۲۰۰,۲۲۳	۱۹۹۴
۵,۸	۵۲,۰۰۰	۶	۵۳,۷۲۶	۲۰,۸	۱۸۶,۴۱۶	۱۹۹۵
۵,۵	۴۰,۸۱۷	۶,۲	۵۶,۳۴۹	۱۹,۷	۱۷۸,۸۰۱	۱۹۹۶
۵,۶	۴۲,۴۲۶	۶,۳	۵۷,۸۶۱	۱۸,۹	۱۷۳,۷۵۷	۱۹۹۷

منبع:

MENA Yearbook 2000, p. 1095.

جدول شماره ۳: بودجه کشور تونس (بر حسب میلیون دینار) ۱ دلار آمریکا = ۱,۱۷۸ دینار

درآمد	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶
مالیات	۳,۹۶۱,۱	۴,۲۶۳,۹	۴,۷۳۷,۰
- مالیات بر درآمد، بهره و غیره	۷۳۳,۸	۸۰۷,۴	۸۸۸,۲
- مشارکتهای امنیتی، اجتماعی	۶۷۷,۵	۷۷۰,۷	۹۵۴,۷
- مالیات بر حقوق کارمندان و کارگران	۵۸,۱	۶۱,۵	۷۶,۲
- مالیات بر مالکیت	۶۵,۱	۶۷,۶	۳,۹
- مالیاتهای داخلی بر کالاها و خدمات	۹۹۶,۷	۱۰۲۹,۳	۱۱۷۸,۳
- مالیات بر فروش	۳۸۸,۷	۴۲۳	۴۸۷,۷
- مالیات کالاهای داخلی	۴۸۷,۷	۵۰۵,۱	۵۴۵,۸
- مالیات بر تجارت بین المللی	۱۳۸۳,۳	۱۴۲۷,۸	۱۴۴۹,۹
- مالیات بر واردات	۱۳۱۲,۲	۱۳۸۴	۱۴۱۱,۷
- مالیات بر صادرات	۹,۷	۸,۶	۸,۵
- سایر درآمدهای جاری	۹۹۳,۸	۸۵۴,۹	۹۰۶,۳
- درآمد سرمایه	۳,۸	۳,۱	۲۶,۸
- انتقادات از سایر بخشهای دولت	۱۱,۵	۱۹,۳	-
- جمع کل	۴۹۷۰,۲	۵۱۴۱,۲	۵۶۷۰,۱
مخارج			
- خدمات عمومی	۴۴۸,۶	۴۷۲,۳	۳۵۶
- مخارج دفاعی	۳۰۰,۵	۳۲۴,۳	۳۸۶,۹
- مخارج مربوط به نظم عمومی	۳۵۲,۶	۳۸۱,۵	۵۲۵,۳
- مخارج آموزش	۹۰۳,۵	۱۰۲۳,۶	۱۱۵۹,۹
- بهداشت	۳۵۹,۱	۳۹۲,۱	۴۲۶,۳
- امنیت عمومی و رفاه	۸۰۹,۲	۸۹۱	۱۰۳۵,۸
- مسکن	۲۹۱	۲۹۳,۲	۳۱۹,۸
- امور تفریحی، فرهنگی و مذهبی	۱۵۹,۶	۱۵۶,۳	۱۶۷,۷
- امور اقتصادی و خدمات	۹۲۴,۸	۱۰۱۴,۸	۱۰۷۵,۹
- امور کشاورزی، جنگل داری، ماهی گیری و معادن	۳۸۲,۲	۴۵۶	۵۱۰,۷
- ساختمان سازی	۰,۵	۰,۷	۴۲
- حمل و نقل و ارتباطات	۱۱۰,۳	۱۲۰,۱	۱۴۰,۱
- جمع کل	۵۱۰۱,۲	۵۵۸۴,۲	۶۲۰۸,۳
- مخارج جاری	۴۱۱۴,۴	۴۴۸۱,۲	۴۹۳۰,۶
مخارج سرمایه	۹۸۶,۸	۱۱۰۳	۱۲۷۷,۷

منبع: سالنامه آماری صندوق بین المللی پول، نقل از:

MENA Yearbook 2000, p. 1097

جدول شماره ۴: ذخایر بانک مرکزی تونس (بر حسب میلیون دلار آمریکا در ۳۱ دسامبر هر سال)

۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	
۳,۹	۳,۸	۴,۴	- طلا
۲,۹	۱۶,۳	۱۵,۹	- حقوق ویژه صندوق بین المللی پول
۰,۱	۰,۱	۰,۱	- وضعیت ذخایر نزد صندوق بین المللی پول
۱۸۴۷,۱	۱۹۶۱,۷	۱۸۸۱,۷	- ارزش خارجی
۱۸۴۵	۱۹۸۱,۹	۱۹۰۲	- جمع کل

منبع: آمار مالی صندوق بین المللی پول. نقل از: *مطالعات فریجی*
 MENA Yearbook 2000, p. 1097.

رتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۵: شرکای اصلی تجاری تونس (۱۰۰۰ دلار آمریکا)

۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	واردات (CIF)
۱۲۷,۱۱۱	۱۷۹,۸۲۸	۱۲۴,۹۳۱	- الجزایر
۸۴,۶۶۱	۲۳,۶۱۱	۴۴,۱۸۳	- آرژانتین
۳۸۴,۰۰۳	۳۵۴,۳۲۲	۲۸۳,۱۸۳	- بلژیک / لوکزامبورگ
۱,۸۷۸,۴۸۹	۲,۰۲۴,۵۸۵	۱,۷۷۹,۵۸۹	- فرانسه
۹۷۶,۵۷۷	۹۹۳,۶۸۷	۷۹۱,۹۲۳	- آلمان
۱,۴۵۱,۷۹۶	۱,۲۰۸,۹۸۵	۹۹۹,۸۱۶	- ایتالیا
۱۶۳,۶۳۵	۱۴۰,۹۲۴	۱۵۱,۸۰۴	- ژاپن
۲۳۴,۶۷۸	۲۰۳,۸۷۶	۱۲۰,۷۶۵	- لیبی
۱۷۹,۶۹۸	۲۰۶,۱۶۷	۱۳۷,۴۷۱	- هند
۸۲,۸۹۳	۲۲۸,۴۶۰	۱۰۴,۱۳۸	- روسیه
۳۰۳,۴۶۴	۳۲۹,۴۳۲	۲۳۳,۳۳۶	- اسپانیا
۸۴,۲۳۱	۸۲,۶۷۸	۶۹,۴۸۹	- سوئد
۱۰۳,۶۵۱	۱۱۴,۳۷۶	۹۶,۰۱۲	- سوییس
۱۰۰,۴۳۰	۱۰۵,۹۲۱	۸۴,۵۹۵	- ترکیه
۱۴۴,۴۰۹	۱۵۹,۱۸۲	۱۴۴,۲۶۰	- انگلستان
۳۲۰,۵۰۶	۳۹۹,۹۹۴	۴۲۶,۹۳۶	- آمریکا
۷,۶۹۸,۱۶۰	۷,۹۰۳,۰۵۰	۶,۴۸۳,۸۸۹	- جمع (شامل سایرین)
			صادرات (FOB)
۹۶,۰۹۹	۱۸۵,۴۶۴	۱۰۶,۰۶۹	- الجزایر
۳۹۵,۴۵۱	۳۵۷,۰۹۵	۲۹۷,۷۲۹	- بلژیک - لوکزامبورگ
۱,۴۱۹,۷۶۸	۱,۵۳۶,۳۵۳	۱,۲۲۲,۱۷۶	- فرانسه
۸۶۲,۳۲۷	۸۶۰,۹۷۸	۷۱۲,۸۲۴	- آلمان
۳۷,۷۰۶	۳۱,۴۴۱	۵۴,۳۴۰	- یونان
۱۱۹,۳۲۷	۹۸,۲۹۳	۸۱,۲۰۴	- هندوستان
۱,۱۴۳,۳۹۵	۱,۰۲۱,۳۷۰	۸۸۵,۹۲۱	- ایتالیا
۱۹۵,۹۰۰	۱۹۲,۳۷۷	۱۵۶,۴۶۸	- لیبی
۱۷۱,۴۹۲	۱۵۶,۰۷۱	۱۴۱,۰۹۱	- هند
۱۹۹,۴۰۱	۲۲۱,۴۸۹	۲۱۶,۸۴۶	- اسپانیا
۲۷,۲۳۰	۴۸,۱۸۷	۴۹,۳۹۹	- سوییس
۱۰۶,۳۶۴	۸۱,۵۶۹	۶۸,۸۴۱	- انگلستان
۷۵,۴۰۳	۶۹,۰۶۵	۴۷,۹۷۹	- آمریکا
۵,۵۱۷,۳۶۷	۵,۴۷۴,۶۲۶	۴,۵۸۴,۴۵۳	- جمع کل

منبع: سالنامه آماری تجارت بین المللی سازمان ملل، نقل از:

MENA Yearbook 2000, p. 1099.

جدول شماره ۶: ورود توریستهای خارجی براساس ملیت ها (۱۰۰۰ نفر)

کشور	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
- الجزایر	۹۸۸,۶	۶۶۹,۹	۶۰۵,۴
- اطریش	۶۵	۹۰,۳	۱۱۴,۴
- بلژیک	۷۴,۲	۸۷,۴	۱۰۲,۷
- فرانسه	۴۶۵,۱	۵۴۱,۹	۶۱۹,۹
- ایتالیا	۲۴۵,۹	۲۷۰,۱	۳۱۴
- لیبی	۶۱۸,۷	۵۲۶,۱	۶۲۶,۴
- اسکاندايناوی	۵۹,۷	۸۸,۴	۸۰,۴
- سویس	۷۴,۵	۷۵,۵	۸۶,۶
- انگلستان	۲۳۹,۶	۲۰۶,۱	۲۴۸
- جمع کل افراد (شامل سایرین)	۴۱۱۹,۸	۳۸۸۴,۶	۴۲۶۴,۱
* درآمد ناشی از توریسم (برحسب میلیون دینار)	۱,۳۲۳	۱,۴۱۳	۱,۵۵۰

منبع: اداره ملی توریسم تونس، نقل از:

MENA Yearbook 2000, p. 1099.

جدول شماره ۷: وضعیت رسانه های ارتباط جمعی در تونس

۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	
۲۰۰۰	۱,۸۰۰	۱,۷۴۰	- میزان دارندگان رادیو (استفاده ۱۰۰۰ نفر)
۹۰۰	۸۰۰	۷۱۰	- میزان دارندگان تلویزیون (استفاده ۱۰۰۰ نفر)
—	۵۲۲	۴۷۴	- تلفن (۱۰۰۰ خط اصلی مورد استفاده)
—	۲۵	۲۰	- ایستگاههای تلفاکس (۱۰۰۰ نفر مورد استفاده)
—	۳,۱۸۵	۲,۷۰۹	- تلفنهای همراه (تعداد مشترکین)
			- روزنامه ها:
۸	۸	۷	- تعداد
۲۸۰	۲۷۰	۴۰۳	- میانگین تیراژ (۱۰۰۰ عدد)
۷۲۰	۵۶۳	۵۶۹	- تولیدات کتاب (برحسب عنوانین)

منبع: سالنامه آماری یونسکو، سالنامه آماری سازمان ملل متحد، نقل از:

MENA Yearbook 2000, p. 1100.

جدول شماره ۸: وضعیت آموزش در تونس

۱۹۹۶-۹۷	۱۹۹۵-۹۶	۱۹۹۴-۹۵	
			■ تعداد مؤسسات
—	۱,۱۱۵	—	— آمادگی
۴۴۲۸	۴۳۸۴	۴۳۲۱	— ابتدایی
—	—	۷۱۲	— متوسطه
			■ تعداد معلمان
۶۰,۱۰۱	۵۹,۸۸۷	۵۸,۷۳۸	— ابتدایی
۴۵,۴۱۱	—	۴۱,۳۲۸	— متوسطه
۶,۶۴۱	۶,۴۸۱	۵,۹۴۴	— عالی
			■ تعداد دانش آموزان
—	۶۸,۱۰۸	—	— آمادگی
۱,۴۵۰,۹۱۶	۱,۴۶۸,۹۹۶	۱,۴۸۱,۷۵۹	— ابتدایی
۸۸۲,۷۳۰	۸۴۹,۳۵۹	۷۸۳,۱۶۹	— متوسطه
۱۲۱,۷۸۷	۱۱۲,۶۳۴	۱۰۳,۶۸۲	— عالی

* به استثنای مدارس حرفه ای آموزشی

منبع: سالنامه آماری یونسکو، نقل از:

MENA Yearbook 2000, p. 1100.

پاورقیها:

۱. تونس، کتاب سبز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴، ص ۷۳. مهمترین احزاب و اتحادیه‌های تونس عبارتند از: جمعیت طرفداران قانون اساسی دموکراتیک (RCD)، سال تأسیس ۱۹۸۸ (حزب حاکم)؛ جنبش برای اتحاد خلق (M.U.P) سال تأسیس ۱۹۸۳؛ جنبش سوسیال دموکراتیک (MSD) سال تأسیس ۱۹۸۱؛ حزب کمونیست تونس (PCT) سال تأسیس ۱۹۴۹، در سال ۱۹۹۳ به حزب التجددیه تغییر نام داد؛ جمعیت سوسیالیستی تونس، سال تأسیس ۱۹۸۳؛ جنبش اسلامی الهفنه؛ اتحادیه عمومی کارگران تونس (U.G.T.T) سال تأسیس ۱۹۴۶؛ اتحادیه ملی زنان تونس (U.N.F.T) سال تأسیس ۱۹۵۶؛ اتحادیه عمومی دانشجویان تونس (U.G.E.T) سال تأسیس ۱۹۵۳.
۲. زین العابدین بن علی، رییس جمهوری فعلی تونس بر اساس همین اصل قانون اساسی به قدرت رسید.
3. *The Middle East and North Africa (MENA) 2000*, p. 1067.
۴. کتاب سبز تونس، همان، ص ۸۲ و ۸۳.
5. *MENA, Yearbook 2000*, p. 1079.
- در مورد روند تقویت مردم سالاری در تونس، نگاه کنید به:
- Emmanoual Sivan, "Illusions of Change," *Journal of Democracy*, July 2000, Vol. 11, No. 3, p. 74.
۶. کتاب سبز تونس، همان، ص ۸۵.
7. *MENA, Yearbook*, p. 1079.
8. "Democracy is the End-Result of a Historical Process." Interview with Zine El Abidine Ben Ali, *Middle East Insight*, July-August 2000, pp. 10-11.
۹. برای اطلاعات بیشتر در زمینه قانون وضعیت شخصی، نگاه کنید به:
- Kenneth j. perkins, *Tunisia, Crossroads of the Islamic and European Worlds*, Boulder: Westview Press, 1986, pp. 124-126.
10. Chedlia Boukhchina, "Woman on the Move," *Middle East Insight*, July-August 2000, p. 30.
11. *Ibid.*
12. Interview with ben Ali, *op.cit.*, p. 9.
13. Boukhchina, *op.cit.*, p. 30.
14. Boukhchina, *Ibid*, p. 30.
15. Majed Nehme, "Investing in People: Tunisia's Quiet Revolution," *Middle East Insight*, July- August 2000, p. 25.
16. *Ibid.*
17. *Ibid.*, p. 26.
18. *Ibid.*
19. Samir Sobh, "Middle Class Strength: Engine for Stability and Growth," *Middle East Insight*, July-August 2000, p. 27.

20. *Ibid.*, p. 28.
21. Interview with Ben Ali, *op.cit.*, p. 13.
22. Sobh, *op.cit.*, p. 28.
23. Emma C. Murphy, "The Tunisian Economy," *Middle East insight*, July-August 2000, p. 35.
24. *Ibid.*
25. *Ibid.*, p. 36.
26. Mark Habeeb, "Reaching Europe," *Middle East Insight*, July-August 2000, p. 22.
27. Murphy, *op.cit.*, p. 36.
28. *Ibid.*, p. 37
29. *Ibid.*, p. 38.
30. International Monetary Fund, *Direction of Trade Statistics Yearbook, 1989*, Washington, IMF, 1991.
۳۱. در مورد نقش نظارتی صندوق بین‌المللی پول بر سیاستهای اقتصادی تونس، نگاه کنید به:
- Jean-Pierre Gassarino, "The Eu-Tunisian Association Agreement and Tunisia's Structural Reform program," *Middle East Journal*, Vol. 53, No. 1, Winter 1999, pp. 59-74.
32. Habeeb, *op.cit.*, p. 22.
- همچنین در مورد آگاهی بیشتر از نتایج «اعلامیه بارسلون» بنگرید به:
- Emma C. Murphy, *Economic and political Change in Tunisia: From Bourgeoisie to Ben Ali*, New York: St. Martin's Press, 1999.
33. Murphy, "The Tunisian Economy," *op.cit.*, p. 37.
- همچنین برای آگاهی از عدم تقارن موجود بین ظرفیتهای اقتصادی دو طرف، نگاه کنید به:
- غسان سلامة، «خاورمیانه در کشاکش میان اقیانوس اطلس و مدیترانه»، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۴ و ۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، ص ۱۵۶.
34. Habeeb, *op.cit.*, p. 23.
۳۵. طبق اصل ۲ قانون اساسی تونس: «جمهوری تونس جزئی از مغرب بزرگ محسوب می شود که راه وحدت و یکپارچگی در چارچوب مصالح و منافع مشترک عمل می نماید.»
36. Perkins, *op.cit.*, p. 157.
37. Robert H. Pelletreau, "Facilitating Peace: Tunisia's Role in Advancing the Arab-Israeli Peace Process," *Middle East Insight*, July-August 2000, p. 19.
38. Perkins, *op.cit.*, p. 166.
39. Interview with Ben Ali, *op.cit.*, p. 15.